

در راه عرفان

گفتگو با استاد الحاج عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا

محقق و پژوهشگر علوم اسلامی و مؤسس حوزه علمیه عرفانی

اهل سنت عرفان آباد

شهرستان علی آباد کتول

استان گلستان

ایران

بکوشش:

موسی جرجانی

خبرنگار ارشد و بازنشسته صداوسیما

پژوهشگر فرهنگ و ادب ترکمن

خرداد ماه سال ۱۳۸۲

مخدومعلی توفیق آلثم

بسرار طبثم غلق قلثم

کوتکل آیدر یولدش بولثم

دم چکن درویش لربلن

بیا علم طلب کن در این جامعه عرفانی

به عنوان تاریخ، خدا گوید «لکّ غفرانی»

مقدمه

امروز روز جمعه نهم خرداد ماه سال ۱۳۸۲ هجری شمسی است و من به قصد دیدار و گفتگو با استاد عالی مقام ترکمن، پژوهشگر و نویسنده کتابهای دینی و علوم اسلامی، «الحاج عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا» به سوی روستای عرفان آباد حرکت می‌کنم.

غروب است و تازه از میزان گرمای طاقت فرسای آن روز کاسته شده و باد ملایمی در صحرا می‌وزد و من با اتومبیل خود از میان مزارع گندم که اینک خوشه‌های طلایی آن برای درو آماده شده‌اند، عبور می‌کنم.

چند کمباین در کنار جاده دیده می‌شوند. انبوهی از خوشه‌های طلایی گندم در مزارع گسترده صحرا، نظر هر بیننده‌ای را به خود جلب می‌کند و حالا کشاورزان زحمتکش، درو گندم از مزارع خود را که ماه‌ها چشم بدان دوخته بودند، آغاز کرده‌اند.

باد خوشه‌های گندم را به این طرف و آن طرف حرکت می‌دهد و گویا این خوشه‌ها برای درو شدن و رفتن به انبار کشاورزان بیتابی می‌کنند. دعا می‌کنم هر چه زودتر این خوشه‌ها، بدون مشکل به انبارهای صاحبان خود منتقل شده و وجد و شادمانی را به خانه‌ها به ارمغان بیاورد تا از بار زیانهای خشکسالی در چند سال گذشته کاسته شود. با همین افکار، به عرفان آباد می‌رسم.

عرفان آباد سابقاً با نام «قراقچی» یکی از روستاهای شهرستان آق‌قلا محسوب می‌شد، اما چند سالی است که این روستا بنا به مصلحت مسئولان استان، جزئی از شهرستان علی آباد کتول شده است.

اهالی این روستا ترکمن نشین هستند و سالهاست که از طریق کشاورزی و دامداری و تولید صنایع دستی، امرار معاش می‌کنند و اصولاً مردمانی زحمت‌کش هستند.

در سالهای اخیر، وجود حوزه علمیه در این روستا که با تلاش و جدیت استاد عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا ایجاد شده است، اهمیت روستای عرفان آباد را دوچندان کرده است.

قراقچی در سابق، روستای کوچک و گمنانی بیش نبود. اما امروزه روستای عرفان آباد، در جای جای ترکمن صحرا شناخته شده و میعادگاه عاشقان الله گشته است. اکنون این روستا و این حوزه علمیه، نه تنها در داخل کشور بلکه در کشورهای خارجی مثل ترکیه - افغانستان - پاکستان و جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز شناخته شده است و نام عبدالرحمن آخوند تنگلی طانا، به عنوان یک استاد برجسته، نویسنده و مفسر قرآن و احکام و علوم دینی، زبانزد خاص و عام می‌باشد.

وارد درسخانه بزرگ استاد می‌شویم. ایشان در بین انبوه کتابها، در حال مطالعه دیده می‌شوند. بلافاصله متوجه آمدن من شده و با گشاده رویی خوش آمد می‌گوید. استاد از قبل برای حضورم آماده شده بود، زیرا من از هفته قبل برای دیدار و انجام گفتگو از محضر ایشان وقت گرفته بودم.

بانگ اذان مغرب در محوطه شنیده می‌شود و از حجره‌های حوزه مهممه و صدایی در نمی‌آید. استاد می‌گوید طلاب به تعطیلی تابستانی رفته‌اند. چند نفر از اساتید حوزه در گوشه و کنار حجره‌ها دیده

می‌شوند. آنها همگی به دنبال استاد به طرف مسجد که در ضلع غربی حوزه قرار دارد و در دو طبقه ساخته شده حرکت می‌کنند.

نماز مغرب به امامت احمد آخوند تنگلی، فرزند ارشد استاد اقامه می‌شود. سپس به اتفاق، به منزل استاد می‌رویم و دور سفره به قول ترکمن‌ها، چای و چورک می‌نشینیم و از محضر استاد فیض می‌بریم. آنگاه در محیطی کاملاً صمیمانه و گرم، گفتگوی من با استاد آغاز می‌شود.

احمد آخوند ضبط صوت و بلندگوی خود را می‌آورد. او می‌خواهد که از این گفتگو نوار صدا تهیه کرده و آنرا در آرشیو حوزه نگاه بدارد. او می‌گوید: تمام مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های استاد را ضبط کرده و در آرشیو حوزه به عنوان اسناد تاریخی و علمی جمع آوری می‌کنیم. تا به حال بیش از یک هزار نوار کاست صدا از سخنرانی‌های استاد در مجامع عمومی - مراسم و گفتارهای رادیویی در آرشیو حوزه ضبط کرده‌ایم.

س - استاد! ضمن قدردانی، به عنوان اولین سؤال تقاضا می‌کنم خودتان را معرفی بفرمایید و بگویید که از کدام طایفه هستید و نام پدرتان چیست و در کجا و در کدام سال متولد شده‌اید و دوران کودکی خود را در کجا گذرانیده‌اید؟

ج - بسم اله الرحمن الرحیم

اگر درباره طایفه خودم بگویم و خودم را از این طریق معرفی کنم، من از طایفه بزرگ یموت هستم. یموت به دو شاخه «شرف» و «چونی» تقسیم می‌شود و خود چونی باز به دو بخش «آق» و «آتابای» تقسیم می‌شود.

آتابای خود به چند تیره کوچک تر تقسیم می شود مثل طانا - محمد آلق - کثرقا - عاشرگوگ - دوگونچی و غیره که حدود ۱۰ تا ۱۵ تیره می شوند. طانا یکی از تیره های طایفه آتابای است و من به این تیره تعلق دارم.

طانا نیز به دو قسمت «عَوْشِدَلِي طانا» و «ولی بایلی طانا» تقسیم می شود. من از شاخه «لَبَغَا» از تیره «ولی بایلی» هستم. نام من عبدالرحمن، فرزند ملا آنا محمد ابن امین ابن آتاش ابن آقالی صوفی، در سال ۱۳۲۱ هجری شمسی برابر با ۱۳۶۱ هجری قمری در روستای «غیذلر» و در نواحی رود اترک به دنیا آمدم. و بعد برای فراگیری دروس اولیه، وارد مدرسه روستای تنگلی شدم که در آن زمان، تا کلاس چهارم ابتدایی در آن مدرسه درس می دادند.

بعد از اتمام مدرسه، پدرم مرا برای فراگیری دروس دینی به حوزه علمیه در اینچه برون برد و من در آن حوزه علمیه ۶-۵ ماهی، درس خواندم و بعد در سال ۱۳۳۶ به حوزه علمیه قره بولاغ آمدم.

س - استاد! چرا فامیلی شما را تنگلی گذاشته اند و معنای تنگلی چیست؟

ج - در موقع شناسنامه گرفتن، چون در تنگلی بودیم نام فامیلی ما را بنام روستای تنگلی گذاشته اند. و اما اصل تلفظ تنگلی، تنگه لی می باشد. تنگه در ترکمنستان به سکه های پول اطلاق می شود. استاد معظم، صوفی الله یار در کتاب خود از تنگه نام برده است:

**تنگه دیب غالب ن احوال تنگا
مشقت لر بشگدا رنگارنگا**

(ترجمه)

تنگه گویان، گشته‌ای در تنگنا
با مشقات گوناگونی که به سرداری
همان‌گونه که از افراد گذشته شنیده‌ایم، سابق بر این در اترک، تپه
بزرگی وجود داشت که یک فرد ثروتمندی بر بالای آن تپه
می‌زیست. به او تنگه‌لی بای می‌گفتند. یعنی مرد ثروتمند.

بعدها آن تپه، تپه تنگه‌لی نامیده شد و بعدها علیرغم کوچ کردن
آن مرد از بالای آن تپه، باز هم نام آن تپه بنام تنگه‌لی باقی ماند و
بعدها روستایی هم که در کنار این تپه بنا شد نام تنگه‌لی به خود
گرفت. مأموران دولتی هم که برای شناسنامه دادن به آن محل آمده
بودند، تنگه‌لی را، تنگلی نوشته‌اند. بدین ترتیب از آن زمان به بعد نام
روستای تنگه‌لی به شکل تنگلی درآمده است.

**س - استاد! لطفاً بفرمایید که تحصیلات خود را در کجا و در
نزد کدام یک از اساتید گذرانده و در چه سالی و از کدام
حوزه فارغ التحصیل شده‌اید؟**

ج - من ابتدا در مدرسه روستای تنگلی کلاس چهارم ابتدایی را
تمام کردم و بعد پدرم مرا تحویل حوزه علمیه در اینچه برون داد.
در آنجا ۶ ماه درس خواندم. بعدها به علت خشکسالی و نبودن
آب و غذا، زندگی در آن حوالی برای همه دشوار شد و اغلب مردم
مجبور به کوچ شدند. ما هم در سال ۱۳۳۶ هجری شمسی به روستای
قراقچی کوچ کردیم و در آنجا ساکن شدیم.

بعد پدرم مرا به حوزه علمیه قره بولاغ که در ۱۰ کیلومتری غرب
روستای قراقچی قرار داشت، تحویل داد و من در آن حوزه تحصیلات
خود را ادامه دادم و از محضر استاد عالی‌مقام و بزرگ ترکمن، «الحاج

یار محمد آخوند نظری» انواع علوم و فنون دینی را فرا گرفتیم و در علوم ظاهری مثل صرف و نحو - فصاحت و بلاغت - احکام - تفسیر - حدیث - کلام و اصول و فروع دین و کلیه قواعد و ضوابط و این قبیل موضوعات را از محضر آن استاد عالی مقام آموختم.

علاوه بر آن، من به هنگام تعطیل شدن حوزه، به نزد استاد فاضل «الحاج آنا محمد قاری» که در منطقه عزیز آباد کلاله زندگی می کردند و به امر تدریس علوم دینی مشغول بودند، می رفتم و علم قرائت و علم تجوید را می آموختم. بنابراین در علم تجوید و قرائت استاد، آن بزرگوار می باشند.

من در آن دوره، تحصیل قرائت حضرت عاصم و روایت حضرت حفص را که در اصول قرائت و تجوید بسیار اهمیت دارند، را خوب خواندم و تمام کردم. البته این مسأله را یاد آور می شوم که حوزه علمیه عزیز آباد در منطقه گوگلان که حوزه دارالحفظ نام داشت، بزرگ ترین و مهم ترین مرکز آموزش قواعد تجوید بود و بطور کلی در آن مرکز حافظ قرآن تربیت می شد.

اما استاد علوم باطنی یعنی استاد طریقت من، استاد حضرت قطب زمان، «شیخ محمد عثمان سراج الدین نقشبندی» بود که در منطقه دورود کردستان ایران، اقامت داشت و ما در تابستان هر سال به حضور استاد مشرف می شدیم و از علم و تربیت آن استاد بهره مند شده و به فضل الهی از این استاد بزرگوار و از نعمات و برکات آن حضرت فیض بردیم.

بنابراین می توانم بگویم که من با دعای خیر این سه استاد، دروس حوزه را در مدت ۱۲ سال تمام کردم و پس از آن نیز یک سال دیگر

را در حوزه ماندم تا کتابهای دیگری را که مربوط به دروس حوزه نمی‌باشد بخوانم و استفاده کنم. از جمله ملا جلال دوانی و چند کتاب دیگر را که دشوار بودند از استادم فرا گرفتم.

من در سال ۱۳۴۹ از حوزه قره بولاغ فارغ التحصیل شدم و در همان سال در روستای خودم یعنی قراقچی که بعدها عرفان آباد نامیده شد، حوزه علمیه جدیدی را تأسیس کردم.

س - استاد! آیا برای تاریخ تأسیس این حوزه، قطعاتی به صورت شعر یا نثر، و یا جملات ابتکاری که مبین تاریخ تأسیس این حوزه باشد، درست کرده‌اید؟ اگر درست کرده‌اید بفرمائید که این اشعار یا جملات، به چه زبانهایی هستند؟

ج - بله، برای بیان تاریخ تأسیس این حوزه، قطعه شعری از بحر

هزج به زبان عربی سروده‌ام که اینگونه است:

مَدَارِسُ الْعُلُومِ وَالْفُنُونِ

يَنَابِيعُ الْمَعَارِفِ كَعِدَّةٍ

مَكَانٌ لِلْمَعَانِي وَالْمَعَالِي

فَارَّخَهَا «حُدَّ الْمَجْدَ بِجِدَّةٍ»

و نیز قطعه شعری از بحر متقارب به زبان فارسی سروده‌ام:

بیا علم طلب کن در این جامعه عرفانی

به عنوان تاریخ، خدا گوید «لَكَ غَفْرَانِي»

و نیز شعری از بحر رمل به زبان ترکمانی گفته‌ام:

عاقل ارثنگ علم اچن حوزه گلا

اثلثنگ تاریخی «غول شاهی بولا»

در شعر عربی، جمله «خذ المجد بجد» و در شعر فارسی جمله «لك غفرانی» و در شعر ترکمانی جمله «غول شاهی بولا»، همگی سال ۱۳۹۱ هجری قمری، سال تأسیس این حوزه را نشان می‌دهند.

اما به صورت معمائی و به زبان عربی، تاریخ تأسیس حوزه را اینگونه بیان داشته‌ام:

تأسیس الجامعۃ العرفانیۃ فی عرفان آباد، یوم الجمعة هو العُشر السابع من الثلث الاول من السدس الاول من النصف الاول من العُشر الاول من العُشر العاشر من العقد الرابع من الالف الثاني من هجرة من له السبع المثانی صلی الله تعالی علیه و علی آله بعدد من قرأه من الاسافل والاعالی.

س - استاد! در خصوص مواد درسی و اینکه طلاب چه علومی و چه کتابهایی را در این حوزه آموزش می‌بینند، مطالبی را عنوان بفرمایید؟

ج - فنونی که در این حوزه آموزش داده می‌شود عبارتند از:

۱- قرائت قرآن: شامل قرائت عاصم به روایت حضرت حفص و روایت حضرت شعبه.

البته در قرائت قرآن، هفت طریقه قرائت به روش حافظان و قاریان صاحب نام وجود دارد و برای هر یک از این هفت قاری، دو نفر راوی وجود دارند که یکی از این قاریان عاصم نام دارد.

در این حوزه طریقه قرائت عاصم با روایت حفص و شعبه آموزش داده می‌شود و فرزندم احمد آخوند مدرس این شیوه قرائت قرآن

است که هر دو نوع روایت را قبلاً خوب آموزش دیده و حالا در حوزه تدریس می‌کند.

۲- علم تجوید: علم تجوید علم آموزش قرائت قرآن است و در این زمینه کتابهای زیادی وجود دارد. علم تجوید انواع و اقسام دارد از جمله: تجوید آسان - هدایه المستفید - منظومه جزری - سبعة ابواب - القول السدید - المنح الفكرية و المنحة العطرية که در این حوزه از این کتابهای تجوید استفاده می‌شود.

۳- علم صرف: علم صرف شعبه‌ای از ادبیات است و کتابهایی که در این خصوص در این حوزه تدریس می‌شود عبارتند از: بدان - معزی - زنجانی - سعدیه - مراح الارواح - اشتقاق.

۴- علم نحو: علم نحو نیز شعبه‌ای از ادبیات است و در این خصوص کتابهایی که در این حوزه تدریس می‌شوند عبارتند از: عوامل جرجانی - عوامل برکوی - اظهار برکوی - کافیه ابن حاجب - شرح ملا جامی.

این کتابها از اول تا آخر یعنی بطور کامل در این حوزه تدریس می‌شوند.

۵- علم فقه: علم فقه شامل احکام است و کتابهایی که در این زمینه تدریس می‌شود عبارتند از: خلاصه کیدانی - فقه المبتدی - مختصر الوقایه - شرح الوقایه - هدایه شریف - ارشاد الترکمان الی مذهب النعمان. کتاب اخیر، جزء کتابهای احکامی است که توسط اینجانب نوشته شده و در این حوزه از این کتاب استفاده می‌شود.

۶- علم منطق: در علم منطق کتابهای ایساغوجی - مرقات - الشمسیه - شرح الشمسیه (قطبی) و حاشیه التهذیب تدریس می‌شود.

- ۷- علم فلسفه: در علم فلسفه دو کتاب هدایة الحکمة و شرح میبدی در این حوزه تدریس می‌شود.
- ۸- علم بلاغت و فصاحت: در این خصوص از دو کتاب استفاده می‌شود بنام‌های تلخیص المفتاح و مختصر المعانی، که از اول تا آخر آن تدریس می‌شود.
- ۹- علم کلام: در این زمینه از کتابهای ذیل برای تدریس به طلاب استفاده می‌شود:
- عقیده - ابوالمنتهی - الحصون الحمیدیه - العقیده الطحاویة - نخبة اللاکلی - شرح العقائد النسفیة - شرح ملا جلال دوانی.
- ۱۰- اصول فقه: در این خصوص کتاب‌های اصول شاشی - نورالانوار - التوضیح فی حل غوامض التفتیح، از اول تا آخر تدریس می‌شود.
- ۱۱- علم قرآن: در علم قرآن که در واقع علم تفسیر قرآن است کتاب تفسیر جلالین بطور کامل تدریس می‌شود.
- ۱۲- علم حدیث: در این مورد کتاب بزرگ و ۵ جلدی «التاج الجامع للاصول» که کتاب بسیار ارزنده و خوبی است تدریس می‌شود و در کنار آن کتابهای «اربعین نووی - فتح القریب المجیب علی تهذیب الترغیب و الترهیب» تدریس می‌شوند.
- ۱۳- علم عروض و قوافی: این علم شاخه‌ای از علم ادبیات است که اصول مربوط به شعر سرایی و قافیه بندی را آموزش می‌دهد. در این فن، کتاب «الکافی فی فنی العروض و القوافی»، مورد تدریس قرار می‌گیرد.

۱۴- علوم حدیث: در این مورد کتاب «الیاقوت الثمین» که توسط خود اینجانب نوشته شده و نیز کتاب «مقدمه ابن الصلاح» در حوزه تدریس می‌شود.

۱۵- علم تاریخ: در این خصوص از کتاب هاب «المزاده فی سیرالقاده - نورالیقین و تاریخ الخلفاء استفاده می‌شود.

یادآور می‌شوم که کتاب نخست، توسط اینجانب به رشته تحریر در آمده و درحوزه مورد تدریس قرار می‌گیرد.

۱۶- علم میراث: در علم میراث، که مربوط به تقسیم ارث در بین وارثان یک فرد متوفی است دو کتاب «السراجی - الشریفیه» مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۱۷- عرفان: در مورد اخلاق و عرفان، کتابهای ذیل تدریس می‌شود:

احسن المرام، که توسط خود بنده نوشته شده است.

ثبات العاجزین - نوشته صوفی الله یار.

احیاء علوم الدین - نوشته امام ابو حامد غزالی.

شرح عین العلم - نوشته ملا علی قاری.

دیوان حضرت مخدوم غلی.

۱۸- علم خطابه: در این فن کتابهای «نصیحه الطالبین و ارشاد

المومنین» که هر دو از تألیفات خود بنده هستند، تدریس می‌شود.

۱۹- علم ردیات: این علم، دیدگاه‌های متفاوت فرقه اسلامی، اعم

از اعتقاد و احکام را بیان کرده و با دلایل قاطع آنانرا رد می‌نماید.

در این مورد، کتابهای «اصول اربعه» و «لزوم الاقتصاد فی العمل و الاعتقاد» و «هدایه الخلق الی سبیل الحق» تدریس می‌شوند که دو کتاب اخیر، از تألیفات اینجانب می‌باشند.

۲۰- مولد النبی: در این خصوص کتابهای زیادی وجود دارد که در وصف رسول خدا، مطالب زیادی عنوان شده است. کتاب «شرف الانام» و «قصیده برده»، از جمله کتابهایی هستند که در این خصوص در این حوزه تدریس می‌شوند.

س: استاد! از فنون و کتابهای زیادی نام بردید. طلاب حوزه در ظرف مدت چند سال این کتابها را آموزش می‌بینند؟

ج - این کتب و فنون را طلاب، در مدت ۱۲ سال تمام می‌کنند. اما افرادی که از هوش و استعداد بیشتری برخوردارند می‌توانند زودتر از مدت تعیین شده نیز تمام کنند.

س - استاد! در بین سخنان تان اشاره نمودید که این حوزه دارای یک کتابخانه و یک مسجد است که در دو طبقه ساخته شده است. چرا و به چه منظوری مسجد را در دو طبقه ساخته‌اید؟ علاوه بر آن، در مورد کیفیت کتابخانه لطفاً توضیحاتی را بیان فرمائید؟

ج - مسجد را در دو طبقه ساختیم بخاطر اینکه طبقه دوم آنرا به زنان اختصاص دهیم تا آنها هم به مسجد بیایند و نماز پنج‌گانه خودشان را در مسجد با جماعت بخوانند.

یا جمعه‌ها و یا در شبهای ماه مبارک رمضان، برای ادای نماز تراویح و یا دعای ختم قرآن به مسجد بیایند و از ثواب اقامه نماز جماعت در مسجد و از وعظ و نصیحت‌های آن فیض ببرند.

ما در این مقطع زمانی، به زنان توجه زیادی می‌کنیم؛ زیرا آنان در بین خود ملا و آخوند ندارند و یا جماعات مذهبی که مختص زنان باشد وجود ندارد. با توجه به نقش آنان در تربیت فرزند و خانه‌داری، برنامه ریزی کردیم که آنان نیز به مسجد بیایند و از برکات آن بهره‌مند گردند.

البته مسیر رفت و آمد و جایگاه زنان از مردان جدا است و هر کدام در طبقه خاص خودشان قرار می‌گیرند.

در مورد کتابخانه، عرض شود که در کتابخانه حوزه، تمام کتابهای علوم دینی مورد نیاز طلاب وجود دارد که بالغ بر ۸ هزار جلد کتاب است که همگی کتابهای منبع و مرجع می‌باشند.

از این کتابخانه، طلاب حوزه بطور مستمر استفاده می‌کنند و از خارج حوزه، دانش‌جویان و دانش‌پژوهان - علماء و طلاب حوزه‌های دیگر نیز، در صورت نیاز به حوزه آمده و در همان محل کتابخانه، کتاب مورد نظر خود را مطالعه می‌کنند.

البته این افراد مجاز نیستند کتابهای مورد نظر خود را به خارج از کتابخانه ببرند زیرا از هر دوره کتاب، یک نسخه بیشتر وجود ندارد و از آنجایی که در حوزه دائماً طلاب و اساتید در تحقیقات خود به این کتابها نیاز دارند، این کتابها به خارج از حوزه داده نمی‌شود و ما هنوز بودجه کافی برای تهیه کتابهای بیشتر نداریم.

س - استاد! به تألیف و نویسندگی خودتان اشاره کردید و فرمودید که برخی از این کتابها در حوزه تدریس می‌شود. لطفاً بفرمایید که تا بحال چند جلد کتاب نوشته‌اید و اصولاً این

کتابها به چه زبانی نوشته شده‌اند و موضوع آن کتابها چه بوده است؟

ج - آثاری که تاکنون داشته‌ام اعم از کتاب و رساله، بیش از ۶۰ عنوان است. این آثار حدوداً در ۱۵ موضوع نوشته شده‌اند، که در خصوص عناوین و موضوعات آن مطالبی را به اطلاعاتان می‌رسانم.

در مورد ادبیات و قواعد عربی:

- ۱- صد صیغه (ترکمنی).
- ۲- تحفة الحركة الربانیة فی حل اعراب العوامل الجرجانیة (عربی).

در مورد الفباء، ادبیات و فرهنگ ترکمان:

- ۳- اتم البیان فی قوانین خط ترکمان (ترکمنی).
- ۴- التیان فی منهج الخط و لسان ترکمان (ترکمنی).
- ۵- ترکمان یذغی ثی ننگ یول لری (ترکمنی).
- ۶- فضائل ترکمان (ترکمنی). در این کتاب، درباره غنی بودن زبان ترکمن، توانمندی، سخاوت، دینداری، ادب و نزاکت و جوانمردی و دیگر فضایل ترکمن، مطالب ارزنده‌ای را عنوان کرده‌ام.

درباره احکام و فقه:

- ۷- فقه المبتدی (عربی).
- ۸- ارشاد ترکمان الی مذهب النعمان (ترکمنی).
- ۹- دستور حج (ترکمنی).
- ۱۰- تحفة الزوار فی بیان مناهج الحجاج والعمار (ترکمنی).
- ۱۱- تحفة الاخوان فی احکام صیام رمضان (ترکمنی).
- ۱۲- تحفة الاخوان فی مسائل رمضان (ترکمنی).

۱۳ - تحفه الخللان فی احکام النسوان (عربی).

این کتاب، احکام مربوط به زنان و چگونگی اهمیت دادن به حقوق آنان را بیان می‌کند. قشری که در بعضی از اوقات، نسبت به حقوق و جایگاه آنان در جامعه، کم لطفی شده و مورد بی‌مهری قرار می‌گیرند.

۱۴ - الیانات الحقّه فی ارشاد ناشر الشقه (عربی).

این رساله، در رد دیدگاه بعضی دوستان که معتقدند زنان، نباید به مسجد بیایند و در نماز جماعت حاضر شوند، نوشته شده و اهمیت حضور آنان در مسجد را بیان می‌کند.

۱۵ - اتمام الاعلام فی احکام الاسلام (عربی).

۱۶ - احسن الخلاق فی بیان احکام الطلاق (زبان ترکمنی).

این کتاب بنا به تقاضای برادران دینی در ترکمنستان نوشته شده است. جمعی از دوستان ترکمنستانی، به بنده نامه فرستاده و خواستار نوشتن کتابی در مورد طلاق، که در ترکمنستان شایع شده بود شدند. بنده نیز در جواب خواهش این دوستان، این کتاب را برای آنان نوشته و ارسال نمودم.

۱۷ - کشف الغطاء و الریون عن حرمة المخدر والافیون (ترکمنی).

این کتاب در جواب تقاضای مسئولان و مقامات منطقه نوشته شد. آنان از من خواستند که در خصوص این بلای خانمان سوز و در مورد حرام بودن آن مطالبی بنویسم. بنده در جواب خواهش این عزیزان نیز این کتاب را نوشتم.

س - استاد در اینجا سؤالی به ذهن من خطور می‌کند که اغلب افرادی نظیر من، و یا هر کس دیگر ممکن است شبه‌هایی

در احکام دینی داشته باشند و قطعا در این خصوص افراد زیادی به شما مراجعه می کنند. آیا کتابی در رفع شبهات افراد نوشته اید؟

ج - بله، در این خصوص سوالات زیادی بمن می رسد، البته علاوه بر داخل کشور، از ترکمنستان، افغانستان و پاکستان هم سوالاتی می رسد.

برای نمونه از پاکستان نامه ای رسید که در آن ۵ مورد احکام دینی پرسیده بودند و در آن ذکر شده بود که:

۱ - چرا بعد از خوردن غذا، دعا می کنند؟

۲ - در مراسم مولود خوانی، چرا قسمتی از مراسم ایستاده انجام می شود و چند مورد دیگر که حضور ذهن ندارم.

من در جواب سوالات آنان، کتابی نوشتم و فرستادم.

۱۸ - كشف اللبس عن الشبهات الخمس (ترکمنی).

۱۹ - الکلام الاثمن فی جواب سؤالات روشن (ترکمنی).

این کتاب در جواب ۲۰ سوال احکام که توسط یکی از اهالی قاری نخور در ترکمنستان ارسال شده بود، نوشته شد و ارسال گردید. در این نامه نام فرستنده، روشن بود؛ بنابراین نام روشن را در عنوان این کتاب آوردم.

۲۰ - الفج العمیق فی زیاره بیت العتیق (عربی)

۲۱ - الفوائد الکبری فی الاحکام المتعلقة بالموتی (ترکمنی).

این کتاب به مراسم و آداب قبل و بعد از وفات اختصاص دارد.

۲۲ - فتح الباری فی جواب اسئلة القاری (ترکمنی).

این کتاب درباره تشریح سؤالات یک روحانی از داخل کشور نوشته شده است.

این ها مجموعه کتاب‌هایی هستند که درباره احکام نوشته شده است.

درباره ردیات:

۲۳- لزوم الاقتصاد فی العمل والاعتقاد (عربی).

۲۴- تاریخچه وهابیت (ترکمنی).

۲۵- میزان الاعتدال فی بیان الحق و الضلال (ترکمنی).

۲۶- مرام الطالبین فی دفع عذل العاذلین (عربی).

۲۷- هدیة الخلق الی سبیل الحق (عربی).

این کتاب، برای هدایت منکران و رد دیدگاه انحرافی وهابیت نوشته شده است.

درباره نسب نامه:

۲۸- شیرین بیان در شجره ترک زبان.

این تحقیق، درباره شاخه‌های ترک زبان و اصل و نسب آنان نوشته شده و نسب ترکمن را از حضرت آدم تا نسل فعلی بیان می‌کند.

۲۹- نسب نامه لبغا. (ترکمنی) درباره اصل و نسب لبغا.

درباره اصطلاح حدیث:

۳۰- الیاقوت الثمین فی اصطلاح حدیث النبی الامین (عربی).

۳۱- قرق حدیث (ترکمنی).

درباره عقائد و اعتقاد:

۳۲- عقیده (ترکمنی) که برای افراد مبتدی تدریس می‌شود.

۳۳ - الدر النضیده فی نظم العقیده (ترکمنی) که بصورت شعر سروده شده.

۳۴ - اکلیل المسلمین فی نظم اصول الدین (عربی) که به صورت شعر سروده شده.

۳۵ - دوائر الايمان (ترکمنی).

درباره تفسیر قرآن:

۳۶ - بحرالعرفان فی تفسیر القرآن (ترکمنی).

این کتاب، بطور بسیار گسترده تحقیق و بیان شده و تا کنون دوهزار صفحه آنرا نوشته‌ام و هنوز به پایان نرسیده است.

۳۷ - تفسیر سوره والعصر (ترکمنی).

در مورد فصاحت و بلاغت:

۳۸ - الفتح الرحمانی فی ترجمه مقدمه مختصر المعانی (ترکمنی).

درباره مولد النبی (ص):

۳۹ - تشویق المؤمنین لمولد خیر المرسلین (ترکمنی).

۴۰ - فتح الخبیر فی نظم سیره المولود المنیر (عربی).

در خصوص وعظ و نصیحت:

۴۱ - ارشاد المومنین الی سبیل رب العالمین در دو جلد (ترکمنی).

۴۲ - الامادیح فی صلاة التراویح (ترکمنی).

۴۳ - احسن المرام فی التخلق باخلاق الکرام (عربی).

۴۴ - اشفاء القلوب فی ذکر علام الغیوب و ستار العیوب.

۴۵ - فضیله الاتحاد (ترکمنی).

۴۶ - موعظه المسلمین (ترکمنی).

۴۷- موكب الاسلام (تركمنى).

۴۸- نصيحه الطالبين (تركمنى).

۴۹- نجه اعمال الصلاة (تركمنى).

۵۰- النصيحه الوجيزه للتلامذه العزيزه (عربى).

درباره تصوف و عرفان:

۵۱- فتح العلى فى تصحيح و تشریح ديوان مخدوم غلى

(تركمنى).

۵۲- مناهل العرفان.

۵۳- تنبيه الاخوان فى معرفه مخدوم غلى ايشان (تركمنى) در تشریح

عرفان مخدوم غلى.

۵۴- تفكير الاخوان فى اطوار الانسان (عربى).

۵۵- تحفه السالك (تركمنى).

درباره تاريخ و غيره:

۵۶- الكلمه الغراء فى ترجمه القراء (تركمنى).

۵۷- المزاده فى سيرالقاده (عربى).

۵۸- السعايه فى توضيح مقدمه الهدايه (تركمنى).

س - استاد خسته نباشيد. الحق كه زحمات زيادى كشيده ايد

و درباره مسائل علوم اسلامى تحقيقات زيادى انجام داده ايد.

در اينجا اين سؤال براى من پيش مى آيد، وقتى كه قلم

بدست مى گيريد كه بنويسيد، چه چيزى را پيش روى خود

مى گيريد و يا با چه هدفى، شروع به نوشتن مى كنيد؟

ج - البته مهم ترين انگيزه اى كه مرا به نوشتن وا مى دارد، برخورد با

مسائلى است كه در جامعه متمدن امروزي اتفاق مى افتد. وقتى كه با

مسائل و اتفاقات جدید روزمره مواجه می‌شوم، ضرورت نوشتن را در وجود خود احساس کرده، سپس بر اساس آن ضرورت و با هدف رفع مشکلات و یا شبهات مردم جامعه، شروع به نوشتن می‌کنم.

مثلا ما زنان را برای اقامه نماز، به مسجد دعوت کردیم و هدایت نمودیم. بدنبال آن زمزمه‌ای آغاز شد مبنی بر اینکه رفتن زنان به مسجد کار درستی نیست و زنان باید در خانه باشند و در خانه عبادت کنند.

من به دنبال آن، مجبور شدم در مورد ضرورت رفتن زنان به مسجد، با استناد بر دلائل یقینی، کتابی بنویسم.

و یا در منطقه، مسائل دیگری پیش می‌آید و ضرورت پیدا می‌کند که برای تفهیم این مسئله برای مردم، کتابی در دسترس آنان قرار گیرد، و یا اینکه سؤالاتی می‌رسد که حاکی از شبهاتی است که در موارد گوناگون برای آنان پیدا شده است.

به طور کلی، مسائلی که در جامعه رخ می‌دهد و سؤالات و شبهاتی که پیش می‌آید، باعث می‌شوند که من در برابر آنها ساکت ننشینم و بر اساس وظیفه‌ام که راهنمایی و هدایت جامعه است، خودم را موظف می‌دانم که مردم را ارشاد کرده و با تألیفات خود، آنها را راهنمایی کنم.

س - حضرت عالی کتابهای زیادی را نام بردید که برخی از آنها بزبان عربی نوشته شده است. ممکن است بفرمائید چرا بعضی از کتابهایتان را بزبان عربی نوشته‌اید و بعضی را به زبان ترکمنی؟

و اینکه چرا به زبان فارسی تاکنون ننوشته‌اید، در حالیکه بسیاری از علاقمندان هستند که این کتابها را بهتر می‌خوانند و یا اینکه ترکمن‌ها، بعلت نبودن کلاسهای آموزش زبان ترکمنی، خط فارسی را ترجیح می‌دهند، خصوصا اینکه زبان عربی را اکثر خوانندگان شما خوب نمی‌دانند. اگر ممکن است در این باره توضیح دهید؟

ج - به زبان عربی می‌نویسم بیشتر بخاطر استفاده روحانیون؛ زیرا اغلب روحانیون ما به زبان عربی تسلط دارند و کتابهایی را که به زبان عربی نوشته شده باشد، ترجیح می‌دهند و دوست می‌دارند. در واقع اگر کتاب به زبان عربی تنظیم شود ارزش آن در نزد روحانیون بیشتر است و من به این دلیل بعضی کتابها را به زبان عربی می‌نویسم.

در یکی از سالهای گذشته، وقتی که به اتفاق جمعی از علماء منطقه به کردستان سفر کردیم به حضور یکی از علمای دینی آنجا رسیدیم بنام استاد «ملا باقر مریوانی بالکی» که دریایی از علم بودند. یکی از روحانیون گنبد، نامه‌ای به ایشان نوشته و سؤالاتی را مطرح کرده بود. این نامه، وقتی که ما در محضر ایشان بودیم به دستش رسید و از ما پرسید که من جواب این نامه را به زبان فارسی بنویسم و یا به زبان عربی، کدام بهتر خواهد بود.

در آن جمع همه روحانیون یکصدا گفتند که به زبان عربی نوشته شود. البته بگویم که زبان عربی چون زبان قرآن است در نزد روحانیون ما، از ارزش خاصی برخوردار می‌باشد.

در آن محفل باشکوه، آن استاد عالی مقام رو به روحانیون جمع کرد و گفت: «چشمان من عمل جراحی شده و خوب نمی بینم، بنابراین یکی از شما که بزبان عربی خوب تسلط داشته باشد بیاید و گفته های مرا در جواب نامه، به زبان عربی بنویسد».

روحانیون آن جمع مرا انتخاب کردند و من نزد آن استاد نشستم و تمام سخنان ایشان را در جواب آن نامه به زبان عربی نوشتم. من در آن جمع، بیش از سه ساعت پای صحبت استاد نشستم و به اندازه یک کتاب مطلب، از زبان آن استاد نوشتم که بسیار با اهمیت بودند.

من به زبان ترکمنی می نویسم بخاطر اینکه به فرهنگ ادب ترکمن کمک کرده باشم و مخاطبان خصوصاً جوانان، بتوانند از مطالب کتابها استفاده کنند.

البته اگر این کتابها بزبان فارسی ترجمه شود بهتر خواهد بود. من خودم قادر به نوشتن زبان فارسی نیستم؛ زیرا فقط تا چهار کلاس ابتدایی قدیمی در روستای تنگلی درس خوانده ام، که این سواد برای نوشتن کتاب کفایت نمی کند. اما خوشبختانه فرزندانم که اساتید این حوزه هستند، سعی می کنند که این کتابها را به زبان فارسی ترجمه کنند.

س - استاد! در بیانات خود از تعدادی روحانیون نام بردید که در حال حاضر در این حوزه تدریس می کنند. لطفاً بفرمایید در حال حاضر چند نفر در این حوزه تحصیل می کنند و چند نفر مشغول تدریس به آنان می باشند؟

ج - در حال حاضر، ۱۰۵ طلبه در این حوزه درس می‌خوانند و ۱۷ مدرس به آنان در رشته‌های متفاوت درس می‌دهند و من هم در آخرین مرحله در رشته اصول تدریس می‌کنم. هر یک از این اساتید، در رشته‌هایی که مهارت دارند تدریس می‌کنند.

س - استاد! حضرت عالی تعدادی از روحانیون را نام بردید که در منطقه خودشان حوزه علمیه دایر کرده و هم اکنون مشغول تدریس در آن حوزه‌ها هستند.

خواهش می‌کنم بفرمائید که تعداد حوزه‌های علمیه‌ای که مدرسان یا مسئولان آن، از این حوزه فارغ التحصیل شده‌اند، بالغ بر چند حوزه است؟ اگر در این مورد هم مطالبی بفرمائید بسیار ممنون می‌شوم؟

ج - تا کنون ۱۱ نفر از شاگردانم که از این حوزه فارغ التحصیل شده‌اند، در منطقه خودشان حوزه علمیه دایر کرده و هم اکنون مشغول تدریس در آن حوزه‌ها هستند. در واقع در ۱۱ روستای این استان، حوزه‌های وابسته به این حوزه وجود دارد.

س - استاد! حضرت عالی در فرمایشات خود از دانشجویان و طلاب خارجی نام بردید، بفرمایید که تا بحال چند نفر از کشورهای خارجی برای گذراندن دوره‌های آموزشی حوزه، به اینجا آمده‌اند؟ چند نفر از این افراد، موفق شدند که به درجه آخوندی نائل شوند؟

ج - تا بحال از کشورهای خارجی تعداد زیادی از جوانان علاقمند برای آموزش علوم اسلامی و دینی به این حوزه آمده‌اند که تعداد آنان به ۷۷ نفر می‌رسد.

این افراد از کشورهای ترکیه، ترکمنستان، تاجیکستان، قرقیزستان، قزاقستان، روسیه و افغانستان بوده‌اند که از این تعداد، ۷ نفر توانسته‌اند با به پایان رسانیدن دوره‌های آموزشی حوزوی، به درجه آخوندی برسند و به کشور خودشان مراجعت نمایند.

س - استاد! همانگونه که شنندگان رادیو گران، اطلاع دارند جناب عالی سالها است در این مرکز به عنوان کارشناس مذهبی برنامه فعالیت می‌کنید و امروزه کمتر کسی یافت می‌شود که با شما از طریق رادیو آشنا نشده باشد. حال بفرمایید جناب عالی نحوه همکاری‌تان با رادیو گران به چه شکل است و چند سال است که همکاری دارید و اصولاً برنامه‌های شما، حول محور چه موضوعاتی است؟

ج - من از سال ۱۳۶۸ هجری شمسی، همکاری خود را با رادیو گران آغاز کردم. مدتی کارشناس تفسیر قرآن بودم و در برنامه‌های سحری ماه رمضان نیز با موضوعات متفاوت، برنامه‌هایی را ارائه کردم. در حال حاضر، همه هفته، چهار برنامه ثابت گفتار مذهبی دارم که دو برنامه آن مربوط به فلسفه عبادت و دو برنامه دیگر در رد وهابیت می‌باشد. و خطبه‌های نماز جمعه که در روزهای جمعه در مسجد و در نماز جمعه ایراد می‌شود، ضبط و قسمتی از آن در برنامه رادیویی تحت عنوان خطبه‌های نماز جمعه پخش می‌گردد.

س - خوب استاد! جنابعالی درباره تحصیلات خودتان و فعالیت‌های حوزوی، نویسندگی، تألیف و نیز در مورد همکاری با صدا و سیمای مرکز گران، مطالبی را به خوانندگان بیان فرمودید.

حالا بفرمایید در ارتباط با کارهای خارج از حوزه، چه فعالیت‌هایی دارید؟ منظورم، کارهای دیگری هم در ارتباط با ترویج و توسعه دین مبین اسلام انجام می‌دهید؟

ج - ما در ارتباط با خارج از حوزه کارهای زیادی را انجام می‌دهیم که به طور مختصر این فعالیت‌ها را بیان می‌کنم.

۱- اهالی محل، ما را به مراسم عروسی و جشن و شادی خود دعوت می‌کنند. چه آنهایی که پسرشان داماد می‌شود و چه آنهایی که دخترشان عروس می‌شود و یا آنهایی که به مناسبت رفتن به حج، ضیافت می‌دهند.

ما در آن جمع حاضر می‌شویم و در مراسم آنان، برنامه‌های مفصل دینی از جمله قرآن خوانی، طرح سؤالات مذهبی، سخنرانی، جواب به سؤالات دینی و انواع برنامه‌ها را اجرا می‌کنیم که بسیار مورد پسند مردم قرار می‌گیرد.

۲- دعوت به مراسم عزاداری. در این مراسم نیز برنامه سخنرانی داریم. همچنین در مراسم پنجم و هفتم مرحوم، دعوت می‌شویم و برای حاضران، وعظ و نصیحت می‌کنیم.

۳- سالی دوازده ماه، مراسم مولودخوانی داریم که افراد مؤمن دعوت می‌کنند تا در مراسم جشن و شادی آنان و یا هر نوع مراسم دیگر داشته باشند مراسم مولود خوانی را اجرا کنیم.

سابق بر این، مولود خوانی فقط در ماه ربیع الاول انجام می‌شد اما به شکر خدا، مراسم مولود خوانی در بین مردم، بسیار گسترده و توسعه یافته است؛ بنابراین در هر مناسبتی که باشد مردم ما را دعوت

می‌کنند. مثلاً برای مراسم «آق آش» که جشن هم سن شدن با رسول الله صلی الله علیه و سلم است.

ترکمن‌ها وقتی که به سن ۶۳ سالگی می‌رسند مراسمی به شکرانه اینکه با رسول بر حق خدا حضرت محمد صلی الله علیه و سلم هم سن شده‌اند، برگزار کرده و مولود خوانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم را به اجرا در می‌آورند.

یا در مراسم «ختنه سوران» یا «خرید اتومبیل» یا «احداث ساختمان جدید» یا «به شکرانه رفتن یا آمدن فرزند از سربازی» یا مراسم «سالگرد گذشتگان» مراسم مولودخوانی برگزار می‌شود. ما در آن مراسم وعظ و نصیحت کرده و در ارتباط با مسائل مورد نیاز مردم، سخنرانی می‌کنیم. الحمدلله تمام اوقات مان را در راه رضایت خدا و هدایت بندگان صرف می‌کنیم.

۴- در روستاهای منطقه، کلاس قرآن دایر کردیم که در تمام طول سال، در آن روستاها این کلاس‌های قرآن در سطح شهرها و روستاها دایر می‌باشد.

در آن کلاس‌ها قرآن کریم با قوائد تجوید، عقیده و احکام به جوانان و نوجوانان آموزش داده می‌شود. این کلاسها خصوصاً برای دختران و زنان فوق‌العاده مفید بوده است و طی سالهای اخیر تقریباً حدود هزار نفر از دختران محلی قرائت صحیح قرآن را از اول تا آخر تمام کرده و بطور کامل قرآن را آموخته‌اند و از دعای خیر مدرسان و علمای دین بهره مند شده‌اند. برخی از این زنان خودشان کلاس قرآن دایر کرده و به کار آموزش قرآن مشغول هستند.

س - استاد! این روستا در گذشته «قراقچی» نام داشت و حالا «عرفان آباد» نام گذاری شده است. چرا نام قراقچی عوض شد و در چه سالی این تغییر نام صورت گرفت؟

ج - کلمه قراقچی، از مصدر «قراماق» به معنی نگاه کردن است. صوفی الله یار، عارف حق جوی، درباره این لغت در یکی از ابیات شعر خود چنین آورده است:

غرا دیمانگ، قرا خوش فعل و خوی نی
نیکو در ناکوچا گورثا ناکوی نی
یعنی موقع اختیار کردن همسر، به صورت او نگاه کرده و سیاه
نگوید، بلکه به خوی و خصلت او نظر کنید.
شیخ سعدی هم در تأیید این شعر می گوید:
صورت زیبای ظاهر هیچ نیست
ای برادر سیرت زیبا بکن
بنابراین قراقچی به معنی نگهبان است.

این کلمه در ادبیات ترکمن با پسوند «چی» به صفت استمراری دلالت می کند مثل: اوراق - اوراقچی، چورک - چورکچی، کمک - کمکچی و...

از طرف دیگر، قراقچی در گذشته های دور به ماموران دولتی که در بین راهها برای نگهبانانی مسیر گمارده می شدند، اطلاق می شد.

بنابراین، قراقچی در زبان فارسی نگهبان معنی می دهد. بعدها در دوره مغول، همین نگهبانان راهها، خود به راهزنان راه تبدیل می شوند و کاروانها را در مسیر راهها غارت می کردند و اموال

مسافران را به زور گرفته و با خود می بردند و به همین جهت، اهالی محل به این راهزنان جاده ها، قراچی اطلاق می کردند و معنی قراچی از نگهبانی به راهزنی تبدیل شد.

بنابراین به کار بردن اسم قراچی برای روستا در نزد افراد محلی، همان راهزن را معنی می داد و معنی اصلی آن فراموش شده بود؛ به همین خاطر با مشورت ریش سفیدان و بزرگان محل، تصمیم گرفته شد که نام روستا عوض شود و بعد در سال ۱۳۶۳ هجری شمسی این روستا عرفان آباد نامگذاری شد و در تاریخ ۱۳۶۶/۹/۶ هجری شمسی، تابلو عرفان آباد در کنار جاده اصلی نصب گردید.

س - استاد در موقع انتخاب نام جدید برای روستا، چرا عرفان آباد گذاشتید و نام دیگری را انتخاب نکردید؟

ج - ما بعد از تأسیس حوزه علمیه در این روستا، نام آنرا حوزه علمیه عرفانی نامگذاری کردیم؛ زیرا این حوزه را شعبه ای از حوزه علمیه عرفانی قره بولاغ می دانیم که من سالها در آن حوزه، درس خوانده و از محضر استاد عالی مقام و عارف ربانی فیض برده ام و به حرمت و قداست آن حوزه بزرگ، این حوزه را نیز حوزه عرفانی نام نهادیم.

به شکر خداوند، بعد از تأسیس این حوزه، اوضاع روستا بهتر شد و ترقی کرد و افراد زیادی به حوزه روی آوردند و یا از مرام و مسلک حوزه تبعیت کرده و در بهتر شدن اخلاق و رفتار خود و اصلاح کارها و اعمال ناپسند خود تلاش کردند.

در این راه، دختران و پسران روستا در کلاس های آموزش قرآن و احکام شرکت کرده، به مسجد و دعا و نیایش روی آوردند حتی

بعضی از مؤمنان، متمسک به پیر طریقت، حضرت شیخ عثمان سراج الدین نقشبندی شده در صوفیگری، ایشان را مقتدای خویش قرار دادند.

ایجاد حوزه در این روستا سبب خیر و برکت بسیار شد و در تمام زمینه‌های مادی و معنوی، باعث رشد و ترقی روستا گردید.

بهمین علت، نام روستا هم عرفان آباد انتخاب شد. البته بزرگان گفته‌اند: «للمسمی حظ من اسمه». یعنی هر چیزی از نام خود فیض می‌برد. بنابراین ما هم نام حوزه علمیه و نام روستایمان را با کلمه عرفان مزین کردیم تا بلکه سهمی از عرفان، نصیب‌مان گردد.

س - استاد! قدری از معنای عرفان بگوئید؛ چون عرفان در ادبیات قرآنی، معنایی بسیار گسترده دارد. اگر در این خصوص مطالبی بفرمائید بسیار ممنون می‌شوم؟

ج - عرفان در لغت به معنی شناختن حق است. اما عرفاء عرفان را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «العرفان بقاء مشاهدۀ الحق بحیث یتعذر غیبتہ». یعنی عرفان، پایداری و استمرار مشاهدۀ حق از طریق قلب است، در واقع مشاهده حق قلباً صورت گرفته و استمرار پیدا می‌کند. بنابراین از بین رفتن چنین حس قلبی، کاری محال به حساب می‌آید، لذا از عارفان اینطور نقل می‌شود:

فلو خطرت لی فی سواک اراده

علی خاطری یوما حکمت بردتی

یعنی اینکه اگر به قلب من غیر از تو، خواسته‌ای وارد شود، من همان روز حکم مرتد بودن را برای خودم صادر می‌کنم.

هدف اصلی عرفاء همین است. هدف از عرفان هم، نسیان ما سوی الله است. یعنی اینکه غیر از خداوند تبارک و تعالی همه چیز را فراموش کردن و فقط با خدا بودن است و به عبارتی همیشه قلبا خدا را دیدن و یک لحظه فراموش نکردن.

البته رسیدن به این درجه اعلاء، کار ساده‌ای نیست و بین عارفان نقل است: «عطار هفت شهر عشق را گشت و ما هنوز اندر خم یک کوچه ایم».

در هر صورت باید تلاش نمود ظاهر خود را با اعمال شریعت پاک کرد و به عبارتی ظاهر خود را از آلوده شدن به گناه، پاک نگاه داشت و با اعمال طریقت، درون خود را پاک کرد و به عبارتی گناهان باطنی خود را با طریقت پیراسته نمود و بعد با تفکر در صفات پسندیده رسول بر حق خدا، حضرت مصطفی صلی الله علیه و سلم، معرفت را آموخت و به دنبال آن از دریای عرفان، گوهر گرانبها صید کرد.

س - استاد! شما در سخنان خود از کسب معرفت و در اختیار گرفتن وسایل و ابزار معرفت نام بردید که برای من درک مطلب قدری مشکل است، اگر ممکن است بطور مختصر و آسان تر در این خصوص توضیح بدهید؟

ج - البته هر یک از حروف کلمه «معرفت» اشاره‌ای به معنای آن دارد. کلمه معرفه دارای پنج حرف بوده و حرف اول آن «م» است که این حرف از «مقت نفسه» گرفته شده است. یعنی کسانی که در مسلک عرفان قرار می‌گیرند همیشه بر نفس اماره خود غالب هستند و هیچوقت در برابر خواهش و التماس نفس اماره خود، مغلوب نمی‌شوند.

حرف دوم «ع» است که از «عرف ربه» گرفته شده و این طور معنی می‌دهد که عارفان، وقتی که نفس اماره را دشمن خود دانستند، همیشه به یاد پروردگار خود بوده و او را خالق همه چیز خواهند دانست.

سومین حرف معرفت «ر» است که از «رغب فی الآخرة» گرفته شده است. معنی آن این است که دوستان اران عرفان، همیشه با اشتیاق به آخرت می‌نگرند و هرگز از مرگ هراس ندارند.

حرف چهارم «ف» است که از «فوض امره الی الله» گرفته شده است و این طور معنی می‌دهد که افرادی که در سلک عرفان قرار می‌گیرند همیشه کارشان را به خدا می‌سپارند و هرگز به عقل و توانمندی خود متکی نمی‌شوند.

حرف پنجم «ه» از «هرب مما سوی الله تعالی» گرفته شده است. یعنی این که افراد سالک راه عرفان، فقط به خداوند عشق می‌ورزند و جز او کسی را دوست نمی‌دارند.

بله، افرادی که دارای چنین شرایطی باشند از معرفت بهره خواهند

برد.

س - استاد شما در سخنان خود از استاد طریقت خود نام بردید و حتما استاد شما هم استادی داشته‌اند و ادامه آن به مؤسس طریقت نقشبندیه خواهد رسید.

آیا ممکن است از سلسله اساتید طریقت خود نام ببرید؟

ج - بله، مرشد من حضرت شیخ، القطب الاعظم، صاحب الضمینه الکبر الاتم، حضرت خاتم الاولیاء:

۱- محمد عثمان سراج الدین الثانی.

۲- الشیخ علاء الدین.

- ۳- الشيخ عمر ضياء الدين.
 - ۴- الشيخ عثمان سراج الدين الاول.
 - ۵- الشيخ مولانا خالد شهرزورى.
 - ۶- الشيخ مولانا شاه عبدالله دهلوى.
 - ۷- الشيخ شمس الدين حبيب الله جان جانان مظهر.
 - ۸- الشيخ سيد نور محمد بدوانى.
 - ۹- الشيخ محمد سيف الدين فاروقى.
 - ۱۰- الشيخ محمد معصوم عروه الوثقى.
 - ۱۱- الشيخ امام احمد فاروقى سهرندى (مجدد الف ثانى).
 - ۱۲- الشيخ مؤيد الدين محمد باقى.
 - ۱۳- الشيخ مولانا محمد خواجكى امكنگى سمرقندى.
 - ۱۴- الشيخ محمد درويش سمرقندى.
 - ۱۵- الشيخ محمد زاهد قاضى سمرقندى.
 - ۱۶- الشيخ خواجه ناصرالدين عبيدالله احرار تاشكندى.
 - ۱۷- الشيخ مولانا يعقوب چرخى حصارى.
 - ۱۸- الشيخ محمد علاء الدين عطار بخارى.
 - ۱۹- الشيخ بهاءالدين محمد اويسى نقشبندى بخارى.
- مؤسس طريقه نقشبنديه قدس الله اسرارهم الزكية. وفات ايشان به سال ۷۹۱ هجرى قمرى است.

س - استاد! سلسله معلمان و بزرگان راه طريقت نقشبنديه را نام برديد. حال اگر ممكن است به همين ترتيب، اسامى مبارك اساتيد شريعت خود را نيز نام ببريد؟

ج - استاد شریعت من حضرت الفاضل، الجامع بین العلوم الظاهرة
والباطنة، استاد الاساتید، فرید الدهر:

۱- العلامة العارف، الشيخ یار محمد آخوند نظری، اطال الله عمره
العزیز.

۲- العلامة الفهامة الشيخ المراد الحاج عبدالقادر آخوند داغستانی،
اعلی الله مقامه.

۳- الملا عبد العظیم کردستانی مجتهدی.

۴- الملا عبدالقادر گه وره.

۵- استاد عبدالقادر المهاجر.

۶- الحاج احمد النودشی.

۷- الاستاد محمد الخطی.

۸- استاد عبدالرحمن الروز بهانی.

۹- صبغة الله افندی الماروانی.

۱۰- استاد مصطفی الزیاری.

۱۱- صبغة الله افندی الحسین آبادی.

۱۲- استاد ابراهیم بن حیدر، عن والده.

۱۳- استاد حیدر بن احمد الحریری.

۱۴- استاد احمد بن حیدر.

۱۵- استاد حیدر الاول.

۱۶- شیخ الاسلام زین الدین الکردی.

۱۷- استاد نصرالله خلخالی.

۱۸- استاد مولانا میرزا جان.

۱۹- استاد خواجه جمال الدین محمود شیرازی.

- ۲۰- رئیس المحققین جلال الدین الدوانی.
- ۲۱- استاد اسعدالدوانی.
- ۲۲- السید الشریف الجرجانی التحریر الکامل.
- مفخر العلماء الاکابر رحمۃ الله علیهم اجمعین. وفات ایشان به سال ۸۱۶ هجری قمری است.

س - استاد! در مورد اساتید شریعت و سلسله آن و آنهایی که نه تنها در ترکستان بلکه در دنیای اسلام مشهور گشته‌اند، نام بردید.

حالا اگر ممکن است اساتید قرائت قرآن و قاریان صاحب نامی که حضرت عالی از محضر ایشان فیض برده‌اید، را نام ببرید و بفرمایید که استاد قرائت قرآن شما از کدام یک از هفت قاری مشهور جهان اسلام سرچشمه می‌گیرد؟

ج - استاد قرائت من، حضرت الفاضل شیخ القرآء، الشیخ العارف، التقی الولی، برکت ترکمان صحرا و یموت و گوگلان:

- ۱- الحاج آنا محمد قاری ابن قربان ایشان.
- ۲- الشیخ ملا عبدالقادر افندی بن عبدالرزاق.
- ۳- الحاج احمد افندی بن عبدالوهاب افندی.
- ۴- الشیخ یحیی بن محمد.
- ۵- الشیخ محمد امین بن عبدالقادر الشهیر بابن عبیده.
- ۶- الشیخ محمد امین بن الشیخ سعدالدین.
- ۷- الشیخ سعدالدین بن محمد.
- ۸- الحاج عبدالغفور بن الشیخ عبدالله المدرس.
- ۹- الشیخ ابراهیم بن الشیخ مصطفی.

- ١٠- الشيخ خليل الخطيب.
- ١١- الشيخ حسن الهندي.
- ١٢- الشيخ حسن البصري.
- ١٣- الشيخ علي الشبراملي.
- ١٤- الشيخ عبدالرحمن اليمني.
- ١٥- الشيخ شهاب الدين احمد بن عبدالحق.
- ١٦- الشيخ ابوالنصر الطبلاوي.
- ١٧- شيخ الاسلام ذكريا الانصاري.
- ١٨- الشيخ محمد بن اسد.
- ١٩- الحافظ بن الجرزي.
- ٢٠- محمد بن رافع.
- ٢١- الكمال الضرير صهر الشاطبي.
- ٢٢- الامام ابوالقاسم خلف الشاطبي.
- ٢٣- ابوالحسن محمد بن هذيل.
- ٢٤- ابوداود سلمان نجاج الاموي.
- ٢٥- ابو عمر و عثمان بن سعيد الدافي مؤلف التيسير.
- ٢٦- ابواحسن طاهر بن غلبون المقرئ.
- ٢٧- ابوالحسن علي بن محمد بن صالح الهاشمي الضرير المقرئ
بالبصرة.
- ٢٨- احمد بن سهل الاثناني.
- ٢٩- ابو محمد بن الصباح.
- ٣٠- حفص بن سليمان بن المغيرة الاسدي البزاز الكوفي.
- ٣١- عاصم بن ابي النجود، احد القراء السبعة.

وفات ایشان در کوفه و به سال ۱۲۸ هجری قمری است.

س - استاد! شما چند بار به مکه مکرمه مشرف شده‌اید و در کدام سالها؟

ج - به خواست خدای منان، تا بحال هفت بار قسمت شد که به زیارت حرمین شرفین مشرف شوم.

۱- در سال ۱۳۵۲ هجری شمسی برابر با ۱۳۹۳ هجری قمری.

۲- در سال ۱۳۶۲ هجری شمسی برابر با ۱۴۰۳ هجری قمری.

۳- در سال ۱۳۶۵ هجری شمسی برابر با ۱۴۰۶ هجری قمری.

۴- در سال ۱۳۷۱ هجری شمسی برابر با ۱۴۱۱ هجری قمری.

۵- در سال ۱۳۷۵ هجری شمسی برابر با ۱۴۱۵ هجری قمری.

۶- در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی برابر با ۱۴۲۵ هجری قمری.

۷- در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی برابر با ۱۴۲۲ هجری قمری.

س - استاد خسته نباشید، البته چند سوال دیگر هم دارم که اگر زحمت نباشد به این سؤالات هم پاسخ بگویید.

ج - بفرمایید، من هرگز از جواب دادن به سؤالات خسته نمی‌شوم بلکه خوشحالم که در کنار شما هستم و به سؤالات یک خبرنگار جواب می‌دهم.

س - بفرمایید که این روستای شما، یعنی عرفان آباد، نسبت به روستاهای دیگر چه امتیازی دارد؟ در واقع در این مرکز دینی، چه کارهای دیگری انجام می‌دهید که مزیت کار شما تلقی می‌شود؟

۱- به حول و قوه الهی و به برکت اولیاء و انبیاء، این روستا دارای یک مرکز علمی و دینی با نام الجامعة العرفانیة می‌باشد که دارای یک

کتابخانه بزرگ و تشکیلات منظم حوزوی و محل مناسبی برای تحصیل شبانه روزی طلاب جوان و محل تدریس اساتید می باشد.

۲- در عرفان آباد یک مسجد بزرگ وجود دارد که در دو طبقه با نام «مسجد جامع خاتم النبیین» ساخته شده است. اکنون پنجمین سال است که در آن، نماز جمعه اقامه می شود.

اولین نماز جمعه در مسجد یاد شده به امامت احمد آخوند تنگلی (فرزند ارشدم) در تاریخ ۱۳۷۸/۹/۵ هجری شمسی برابر با ۱۳۷۸/۹/۱۷ هجری قمری اقامه شد و بحمدالله تا کنون نیز ادامه دارد.

۳- در خطبه های نماز جمعه هر هفته، یکی از روحانیونی که از این حوزه فارغ التحصیل شده اند، سخنرانی می کند و مطالب این سخنرانی ها با توجه به سخنرانان، متفاوت می باشد.

۴- در همین مسجد، در ماههای تحصیلی طلاب که ۹ ماه به طول می انجامد، روزهای پنجشنبه، بعد از نماز ظهر، یکی از طلبه های حوزه، سخنرانی می کند و همه نمازگزاران در جای خود می نشینند و به این سخنرانی طلبه جوان، گوش فرا می دهند و صدای سخنران، از طریق بلندگوی مسجد، در محل پخش می شود تا اهالی محل نیز بتوانند از آن بهره ببرند.

۵- همه هفته، شبهای سه شنبه و جمعه بین نماز مغرب و عشاء، مراسم دعا و نیایش برگزار می شود. این مراسم از روز تاسیس حوزه تا کنون ادامه داشته است.

۶- طلبه ها، هر روز بعد از نماز عصر تا مغرب از مسجد بیرون نمی روند و هر کدام سوره یا سوره هایی از قرآن کریم را

می خوانند و دسته جمعی آیات قرآن را از اول تا آخر می خوانند و ختم می کنند.

۷- در همین مسجد، زنان محل هم برای اقامه نماز پنجگانه و همچنین اقامه نماز جمعه حضور می یابند و از وعظ و نصیحت سخنرانان استفاده می کنند.

در روزهای جمعه، اهالی روستاهای اطراف، اعم از زن و مرد برای شرکت در نماز جمعه به این مسجد می آیند و از ثواب اقامه نماز جمعه بهره مند می گردند.

۸- در طول سال تحصیلی درحوزه، یعنی در طول ۹ ماه هر سال، کلاس قرآن برای آموزش دختران محل دایر می باشد. به همین منظور، یکی از روحانیون فارغ التحصیل را به عنوان مدرس ویژه آن کلاس، در نظر گرفتیم.

لذا کلاسهای آموزشی برای دختران جوان، بطور مرتب در این حوزه دایر می باشد. ضمناً برای آموزش دادن به دختران بزرگسال، یکی از دخترانی که در این حوزه درس خوانده و از علم تدریس قرآن و تجوید، آگاه است کلاس قرآن دایر کرده و برای آنان بطور مرتب قرآن آموزش می دهد.

تعدادی از دختران محل از این کلاس، قرائت قرآن را به خوبی یاد گرفته اند. این دختران، در مراسم سوگواری خانواده ها شرکت می کنند و در مدت برگزاری مراسم عزاداری، در جمع زنان، قرآن می خوانند و برای افرادی که گریه و شیون می کنند نصیحت کرده و دلداری می دهند.

۹- با شروع ماه رمضان، شبها ختم قرآن کریم، همزمان با برگزاری نماز تراویح که ویژه ماه مبارک رمضان است، شروع می‌شود و هر شب ۵ جزء قرآن توسط قاریان تلاوت می‌شود و در شب ششم که کل قرآن تلاوت شد، مراسم ویژه دعای ختم قرآن، با شکوه و عظمت خاصی برگزار می‌شود.

در آن مراسم، تمامی اهالی محل و روستاهای اطراف جمع می‌شوند، بطوری که هر دو طبقه مسجد و محوطه آن پر می‌شود.

۱۰- در شب ۲۷ ماه رمضان که به شب قدر معروف است، مراسم ویژه راز و نیاز و دعا و نیایش، بعد از نماز عشاء و تراویح تا وقت سحر، در مسجد جامع برگزار می‌شود. در این مراسم زنان و مردان محل و روستاهای اطراف، بطور گسترده و با عشق و علاقه و اخلاص شرکت می‌کنند.

۱۱- در ماه رمضان و در شب چهاردهم آن مراسم مخصوص شب چهاردهم ماه رمضان در همین مسجد جامع و با شرکت زنان و مردان، با شکوه خاصی برگزار می‌شود. در آن شب، امام جمعه شعر پر محتوایی را می‌خواند و حاضران در پایان هر وقفه‌ای که ایجاد می‌شوند با صدای بلند «الله» می‌گویند و صدای آنان از بلندگوی مسجد برای اهالی محل پخش می‌شود.

پس از پایان مراسم، افراد حاضر در مراسم، هر کدام مبلغی در اختیار امام جمعه قرار می‌دهند و بعد از دعا به درگاه خدوند به طور دسته جمعی، متفرق شده و به منزل خویش مراجعت می‌کنند.

س - استاد اگر ممکن است این شعر را که در نزد
مؤمنان بسیار اهمیت دارد و در متن آن، مطالب پند
آموزی وجود دارد، یکبار برایم بخوانید؟

ج - بسیار خوب.

این شعر «منظومه یا رمضان» نام دارد که بنده به زبان ترکمنی آنرا

سروده‌ام:

(یا رمضان منظومه‌ی)

گلنک ای گروهی مؤمن جماعت
طنگری غا تن برب قلثنگذ طاعت
رمضان آیی در بیک سعادت
اوننگ شگری اچن الله دینگ لر

رمضان گلیار دیب تتارک توتن
اچرثنی چقرب نظافت ادن
یغشی دونن گیب مسجدگا گدن
اوننگ شگری اچن الله دینگ لر

شیجی اوقتن بولب گیجالر تورن
نفسنی کویدرب شیطانی ورن
تراویحن اوقیب فطره‌ثن برن
شوننگ شگری اچن الله دینگ لر

انا بولب اچر مشغلا اکلان

چایینی غینادب نهارنی کو کلان
ثلالگنی ایب آغرنی بکلان
اوننگ شگری اچن الله دینگ لر

خداینگ حقی اچن آجغب ثوثان
دوداغی تابشراب یخ لری کیشان
عرصات میدان دا ایش لری آسان
شوننگ شگری اچن الله دینگ لر

روزه توتب نفس شیطان مات ادن
صدقه بلن غریب گونن شاد ادن
ختمه دورب آیق لرنی یاد ادن
اوننگ شگری اچن الله دینگ لر

آراذاغا الری دوران نوجوان
غوجا بولب گو برمدک پهلوان
نفس شیطان تنگا دیر الامان
شوننگ شگری اچن الله دینگ لر

تسبیح نماز اوقیب ایماننی بدان
غلاغندن گتمذ باش وقتقی اذان
اون دورنا آیدی لر «یارمضان»
اوننگ شگری اچن الله دینگ لر

اخلاص بلن اعتكافه اوترن
غييت ادمان گن لرنی باترن
درجه ثن عرش اعلى يترن
شوننگ شكرى اچن الله دينگ لر

رمضاننگ قدر قيمتن بليان
تروا ثن اوقيب قضا ثن آليان
ايشب ايشب قرآن ختمنا گليان
اوننگ شكرى اچن الله دينگ لر

آغذ آچردا خلقا خرما گترن
بره، بره بش آيغا يترن
احسان ادب جووارد ايشن بترن
شوننگ شكرى اچن الله دينگ لر

قدرنى اوتردب خرجنى چكن
سفره لر ييب ايمش لر دوكن
ثوش لر ثويب جونگالر يقن
اوننگ شكرى اچن الله دينگ لر

قدر نماز اوقيب دعا ايليان
پوئق ادب ايل گا قوقن پايليان

عید، گلر دیب ائی بشن شیلیان
شوننگ شگری اچن الله دینگ لر

عید، گنندا آچلر ابواب آسمان
آزاد بولر گناه کارلر فراوان
قبول ایلا احسانمذ یا سبحان
سبحاننگ حقی اچن الله دینگ لر

رحمتا گوذ تکر بارچا مسلمان
یلقو ادثا عفو فضلی بترکان
همامذنگ جایب فردوس جاودان
شوننگ شگری اچن الله دینگ لر.
والسلام علیکم و رحمۃ الله و برکاته

- جزاکم الله! استاد، الحق که زیبا و پرمحتوا سروده‌ای!

- خواهش می‌کنم لطف دارید!

۱۲- در همین مسجد، در شب پانزدهم ماه شعبان، دعای برائت خوانده می‌شود. در آن شب، نماز گزاران بعد از نماز مغرب، دور هم جمع می‌شوند و سه مرتبه سوره «یاسین» را با سه نیت می‌خوانند:
الف: به نیت طول عمر.

ب: به نیت دفع بلا.

ج: به نیت استغناء عن الناس. یعنی برای بی‌نیاز شدن از دیگران.
سپس دعای مخصوص خوانده شده و به دنبال آن، مراسم راز و نیاز به درگاه خداوند متعال برگزار می‌شود.

برای شرکت در این مراسم دینی، افراد زیادی اعم از زن و مرد از محل و اطراف محل می آیند. البته دعای برائت را در کتاب «ارشاد الترمکان الی مذهب النعمان» در صفحه ۱۶۵ بطور مفصل نوشته‌ام.

۱۳- در مسجد جامع خاتم النبیین عرفان آباد در آخرین چهارشنبه ماه صفر، اهالی محل جمع می‌شوند و نماز مخصوص آخرین چهارشنبه صفر را که بنام «نماز قره چهارشنبه» معروف است، می‌خوانند.

این نماز، در چهار رکعت اقامه می‌شود و در هر رکعت یک بار سوره حمد و ۱۷ بار سوره کوثر و سه بار سوره اخلاص خوانده شده و سپس دعای مخصوص خوانده می‌شود. این دعا نیز در صفحه ۱۶۲ کتاب «ارشاد الترمکان» بطور مفصل نوشته شده و علاقمندان می‌توانند به آن کتاب مراجعه نمایند.

۱۴- در همین مسجد جامع حوزه، در روز دهم ماه محرم، نماز مخصوص روز عاشورا خوانده می‌شود. این نماز در چهار رکعت اقامه می‌شود در هر رکعت یک بار سوره حمد و ۱۱ مرتبه سوره اخلاص. سپس دعای دسته جمعی برگزار شده و برای شادی روح امام حسین علیه السلام صدقه می‌دهند.

در روز دهم محرم یعنی روز عاشورا، تعدادی از مؤمنان روزه می‌گیرند. این افراد طعامی تهیه کرده و قبل از نماز مغرب به مسجد می‌آورند تا نمازگزاران آنرا میل کنند.

مراسم روز عاشورا در نزد ترکمن‌ها بسیار با اهمیت است و هر کدام به نوعی از امام حسین تجلیل می‌کنند.

۱۵- ماه ربیع الاول ماه بسیار شادی آفرین و خوش یمن است؛ زیرا در این ماه حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و سلم، رسول بر حق خداوند، متولد شده و به همین خاطر، مراسم جشن و شادی در بین مردم بسیار برگزار می گردد.

در این مراسم سخنرانان در وصف شخصیت و سجایای اخلاقی آن حضرت و درباره معجزات و کرامات رسول خدا صلی الله علیه و سلم سخنرانی می کنند.

در ماه ربیع الاول، هر یک از مؤمنان به شادمانی و گرمی داشت ماه مولود، در خانه خود غذا تهیه کرده و عده‌ای از افراد محلی را دعوت می کنند. روحانیون در آن جمع قصیده‌هایی در وصف صفات نیکوی رسول خدا می خوانند. سپس مراسم دعا و نیایش به عمل می آید. آنگاه همه، آمدن این ماه پر خیر و برکت را به همدیگر تبریک می گویند.

س - استاد! بفرمایید که اگر یک طلبه جوان و نوجوان بخواهد در حوزه شما درس بخواند، چه شرایطی را برای افراد تازه وارد قائل می شوید و به عبارتی، شرط ورود به حوزه برای افرادی که بخواهند در آینده آخوند شوند چیست؟

ج - برای افراد تازه وارد که بخواهند بطور رسمی در این حوزه درس بخوانند، داشتن حداقل مدرک سوم راهنمایی لازم است. آنان در وقت ثبت نام و تشکیل پرونده کپی شناسنامه، کپی آخرین مدرک تحصیلی، عکس، باید داشته باشند. اگر چنانچه از حوزه‌های علمیه

دیگری به این حوزه منتقل شوند، بایستی مدارک موجود در آن حوزه را به همراه داشته باشند.

س - در حوزه شما کیفیت تحصیلات به چه شکل است و چند ماه از سال در این حوزه درس داده می‌شود؟

ج - در این حوزه، هر سال ۹ ماه درس داده می‌شود. یعنی کلاس‌ها در این مرکز آموزشی از اول شهریور هر سال شروع و روز ۳۱ اردیبهشت ماه سال آینده تعطیل می‌شود.

طلاب در ماه‌های خرداد، تیر و مرداد هر سال تعطیل می‌شوند و علاوه بر آن هر ماه، از روز سه شنبه تا جمعه تعطیل می‌شوند. در واقع طلاب در پایان هر ماه، صبح روز سه شنبه از استاد درس روز را گرفته و بعد به منازل خود می‌روند و روز جمعه قبل از نماز جمعه در حوزه حاضر شده و در نماز جمعه شرکت می‌کنند.

به عبارتی در هر ماه، سه روز تعطیل می‌شوند. اما طلاب غیر رسمی و طلاب کشورهای خارجی تعطیلی ندارند و آنها سالی دوازده ماه در حوزه حضور دارند.

س - استاد! در این مرکز علمی، از طلاب تازه وارد موقع ثبت نام چقدر شهریه دریافت می‌شود؟

ج - از طلاب جوان و تازه وارد به این حوزه، بابت شهریه و نیز تحصیل و زندگی شبانه روزی و هزینه‌های آن، چیزی دریافت نمی‌شود و تماماً رایگان است و حتی به اساتید و مسئولین و دست اندرکاران حوزه نیز، حقوقی پرداخت نمی‌شود و تمام این افراد فی سبیل الله کار می‌کنند. در واقع آنان خود را وقف حوزه و ترویج دین و دیانت خود نموده‌اند.

س - استاد! در آن صورت، هزینه‌های این مرکز بزرگ علمی از کجا و چگونه تأمین می‌شود. آیا دولت در این خصوص کمک می‌کند؟

ج - کل هزینه این حوزه را مردم تأمین می‌کنند و دولت در این خصوص کمک نمی‌کند. این حوزه را مردم با کمک و خود یاری خود ایجاد کرده و تاکنون نیز تمام هزینه‌های آنرا تأمین کرده‌اند و ما از مردم خیر و نیکوکار خودمان بی‌نهایت سپاسگزاریم که همه ساله پشتیبان این حوزه بوده‌اند و هستند و هرگز طلاب و اساتید این حوزه را تنها نمی‌گذارند.

ما مسئولان و دست‌اندرکاران و مدرسین حوزه، فی سبیل‌الله و فقط برای رضای خداوند و برای ترویج دین اسلام و انجام دادن دستورات پیامبر گرامی اسلام و زنده نگاه داشتن قرآن به طور شبانه روزی تلاش می‌کنیم و در واقع خود را وقف این جامعه و تربیت جوانان این مملکت نموده‌ایم که پایگاه‌های قوی دین اسلام و حافظ مفاهیم قرآن باشند.

کارمان تعلیم و تربیت جوانان و هدایت و راهنمایی مردم در مسیر راه اولیاء و انبیاء است و هیچ‌گونه حقوقی از دولت و ملت دریافت نمی‌کنیم. فقط به خدا توکل داریم و از او می‌خواهیم.

ما به وعده خداوند که می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ» اعتقاد جازم داریم و به آن وفادار هستیم. خداوند به ما وعده داده است که به هر کسی که دین خدا را کمک کند، به او کمک خواهد کرد. به همین جهت خداوند روزی رسان است و روزی ما را هم به طریقی می‌رساند.

تتمان سالم، بدنمان پوشیده و شکمان سیر است و احساس کمبود نمی‌کنیم و ناراحتی به دل نداریم. وقتمان به تعلیم دین و دیانت به جوانان می‌گذرد و همیشه آرزو می‌کنیم که خداوند دین و دنیای مردم را روبراه کند.

س - استاد! برای تأمین هزینه‌های آموزشی، از دولت و مردم چه انتظاری دارید؟

ج - این حوزه با کمک افراد خیر و نیکوکار محلی اداره می‌شود و همانگونه که می‌دانید چند سالی است که در استان ما خشک‌سالی شده و کشاورزان نمی‌توانند از زمین خود، محصول خوب برداشت کنند؛ بنابراین درآمد مردم کم شده و نمی‌توانند آن طوری که باید و شاید به این حوزه کمک کنند، بنابراین ما در کنار کمک‌های مردمی، به کمک‌های دولتی نیز نیاز داریم.

در حال حاضر این حوزه با مشکلات عدیده‌ای روبرو است. طلاب این حوزه اغلب از افراد بی‌بضاعت و کم درآمد جامعه هستند و نمی‌توان از آنان بابت تحصیل و زندگی شبانه روزی در این حوزه، کمک مالی دریافت کرد؛ لذا من بار دیگر از مردم ایثارگر و با ایمان و از مؤمنان مخلص خدا، درخواست می‌کنم که در این شرایط خاص، با ارائه کمک‌ها و خیر و حسنات خود، همچنان پشتیبان این مرکز علمی باشند و به راستی که خداوند اجر آنان را به چند برابر خواهد داد.

در این راستا، کمک‌ها و مساعدت دولت جمهوری اسلامی ایران و مسئولین نظام، می‌تواند کمک شایانی در جهت ارتقاء سطح کیفی آموزش علوم دینی در این مرکز باشد.

س - استاد! برای توسعه و گسترش این مرکز علمی و ایجاد تسهیلات لازم برای طلاب جوان و اساتید حوزه، و اصولاً برای پیشرفت کارتان، چه برنامه‌هایی برای آینده دارید؟

ج - اگر توفیق حاصل شود و امکانات لازم فراهم گردد، برای آینده حوزه، برنامه‌های ذیل را پیش بینی کرده‌ایم:

۱- تعمیر مسجد و برق کشی و شوفاژ کشی آن و نصب دستگاههای خنک کننده.

۲- ایجاد مناره مسجد که از بدو ساخت آن تا کنون دست نخورده باقی مانده است.

۳- احداث آشپزخانه بهداشتی با وسایل و تجهیزات کامل.

۴- ایجاد سالن غذاخوری برای طلاب.

۵- ایجاد حمام، وضوخانه و سرویس بهداشتی برای طلاب.

۶- ایجاد سرویس بهداشتی و وضوخانه مخصوص زنانی که برای

اقامه نماز جماعت و ختم قرآن به مسجد می‌آیند.

۷- ایجاد حداقل ۳۰ کلاس درس برای تدریس اساتید.

۸- احداث بنایی بزرگ جهت کتابخانه، با امکانات لازم و سالن

مطالعه برای جوانان، محققان و پژوهشگران.

۹- خرید کتاب‌های مورد نیاز، برای جواب‌گویی طلاب و

پژوهشگران علوم دینی.

۱۰- ایجاد چاپخانه و یا تسهیلات لازم برای چاپ کتاب و جزوات

لازم که توسط خودم و یا اساتید حوزه برای چاپ آماده می‌شود.

۱۱- برگزاری کلاس‌های آموزش زبان انگلیسی، با استفاده از اساتید مجرب دانشگاه‌ها.

۱۲- برگزاری کلاسهای پژوهشی و تحقیقاتی، جهت شرکت علاقمندان به پژوهشگری علوم اسلامی و دینی.

۱۳- ایجاد مرکز دارالافتاء قوی و فعال، با یک سالن بزرگ که محققان بتوانند در آن جمع شده و کتابها را بررسی کنند و در خصوص مسائل روز، احکام شرعی صادر کنند.

۱۴- نوشتن پایان نامه‌های مخصوص برای طلاب فارغ التحصیل.

...

استاد! از اینکه این امکان را برای ما فراهم ساختید تا از حضرت عالی و از مرکز علمی عرفان آباد، همچنین از فعالیت‌های گسترده خود و حوزه از نزدیک آشنا شویم، بسیار سپاسگزارم و امیدوارم که در سایه الطاف الهی، همچنان سالم، تندرست و پایدار بوده و سالیان سال، ما را از وجود پر خیر و برکت خودتان بهره‌مند گردانید.

ما نیز در سایه رهنمودهای پدرانۀ حضرت عالی، بتوانیم در جهت اعتلای فرهنگ غنی اسلام بکوشیم.

استاد! در پایان، اگر مطلب خاصی دارید که برای ما و خوانندگان، شنیدنی باشد بفرمائید. ما آماده شنیدن هستیم.

نه! مطلب قابل عرضی نیست. من هم توفیقات شما و همه مسلمانان جهان را از درگاه ایزد یکتا خواستارم و امیدوارم که این تلاش‌های شما در راه تبلیغ دین اسلام، مورد حمایت الهی قرار بگیرد.

- آمین.